

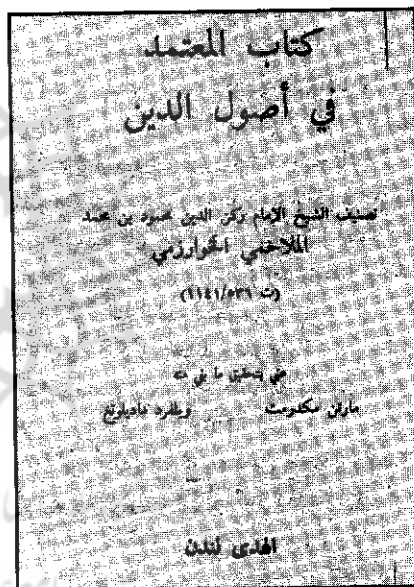
برگ سبزی از دفتر اعتزال خوارزم:

## المعتد فی اصول الدین

○ هادی آزاد

حاذق بود و تالیفات زیادی دارد که از آنهاست: تصفح الادله، نقض الشافی فی الامامه و نقض المقنع فی الغیبه. پیروان ابوهاشم جبایی (بهاشمه) از وی به دو دلیل نفرت داشتند: وی خود را به فلسفه مشغول داشته و در نوشته‌های فلاسفه (الاولئ) حوض می‌نمود. دیگر آنکه به خرده‌گیری از مشایخ اعتزال و رد برخی نظرات آنها در آثارش می‌پرداخت و بر نادرستی آن استدلالها سخن می‌گفت. حاکم چشمی (متوفی ۳۹۴ ق) گفته است: و به این دو دلیل خدا در علم وی برکت قرار نداد. من (ابن‌المرتضی) می‌گویم که این سخن حاکم چشمی از سر تعصب (بر بهاشمه) است، بدرستی که خداوند در کتاب‌های بصری منفعت قرار داد و از علم وی بیش از دیگران منفعت برمی‌خیزد، آیا نمی‌بینی که کتاب المعتد فی اصول الفقه، اساس بیشتر آثاری است که کسان بعد از وی نگاشته‌اند و بر آن اعتماد ورزیده‌اند و همین گونه از کتب وی در اصول دین چون الفائق. از شاگردان وی شیخ نحریر محمودین ملاحمی مؤلف المعتد است. از ابوالحسین بصری عده‌ای فراوان از علماء چون امام یحیی بن حمزه و بیشتر علماء امامیه پیروی کرده‌اند و فخر رازی از اشاعره (مجیره) در مسأله لطف و مسائل دیگری بر طریق ابوالحسین رفته است»<sup>۱</sup>.

گفته ابن مرتضی دقیق نیست و با کمک منابع دیگر می‌توان دریافت که ابن ملاحمی تنها پیرو مکتب کلامی ابوالحسین بصری بوده است. ب. ز. خالدوف (۱۹۰۵-۱۹۶۸) بنیانگذار بخش لغت عربی در دانشگاه تاشکند، رساله‌ای درباره جارالله محمدین عمر زمخشری (متوفی ۵۲۸ ق) نگاشته و در آن از نسخه‌ای خطی به شماره ۲۳۸۷ س در لنینگراد، مطالبی نقل کرده که روشنگر نکاتی از زندگی زمخشری و خاستگاه اعتزال وی و ابن ملاحمی است. این یادداشت‌ها را عبدالکریم یافی در مجله مجمع اللغة العربیه بدمشق، سال ۵۷، ۱۹۸۲، ص ۳۶۵-۳۸۲ منتشر کرده است. یکی از این چند نکته دارای اهمیت در بحث ماست که ابتدا متن عبارت عربی را می‌آوریم و سپس براساس آن مطالبی ارایه خواهد شد (برگ ۱۳۷ ب). محمودین عمرین محمد ابوالقاسم الزمخشری الخوارزمی الامام العلامة المشهور بفخر خوارزم رحمه الله امام الدنیا فی علم الاعراب و اللغة و علم المعانی و البیان و الزهد و حسن السیره فی السر و الاعلان.



- المعتد فی اصول الدین
- رکن الدین محمود بن محمد بن الملاحمی
- تحقیق: مارتین مکدرموت، ویلفرد ماد لونع (مادلونگ)
- الهدی، لندن

به تازگی اثری از رکن‌الدین محمودین محمد ملاحمی خوارزمی با عنوان المعتد فی اصول الدین به چاپ رسیده است.<sup>۱</sup> ابن ملاحمی یکی از آخرین معتزلیان شناخته شده خوارزم و پیرو مکتب ابوالحسین بصری (متوفی ۴۳۶ ق) است که ابن‌المرتضی (متوفی ۸۴۰ ق) به خطا او را شاگرد ابوالحسین بصری معرفی کرده و درباره وی چنین نگاشته است: «و از دیگر معتزلیان ابوالحسین محمدین علی بصری مؤلف کتاب المعتد فی اصول الفقه است. وی علم کلام را از قاضی عبدالجبارین احمد همدانی فراگرفت و در بغداد درس می‌گفت. وی مرد مجادله‌گر،

بدلیان موجود است که در صفحه آخر، از آن به عنوان التجرید یاد شده است. کتاب التجرید، تلخیصی از کتاب المعتمد فی اصول الفقه نوشته ابوالحسین بصری است. شاید نام کامل کتاب تجرید المعتمد فی اصول الفقه باشد.<sup>۷</sup>

در مورد اساتید ابن ملاحمی، خبری در منابع نیست و خود او در کتاب المعتمد اشاره‌ای در این زمینه ندارد. فزونتر آنکه ابن ملاحمی حتی اشاره صریحی به وابستگی خود به مکتب ابوالحسین بصری نکرده است. همان‌گونه که یاقوت در شرح زندگی ابومضمر محمودبن جریر ضبی اصفهانی (متوفی ۵۰۷ ق) نحوی، ادیب و طبیب خوارزمی اشاره کرده، او نخستین کسی است که اعتزال را به خوارزم برده است و زمخشری پیرو او بوده است. آن‌گونه که در آن زمان رایج بود، ضبی در طب و فلسفه نیز دست داشت.<sup>۸</sup> مکتب ضبی ظاهراً متأثر از مکتب فلسفی ابوالحسین بصری بوده است. هرچند درباره گفته یاقوت که ضبی اولین کسی بود که اعتزال را در خوارزم رواج داد، باید تردید نمود،<sup>۹</sup> مگر آنکه ضبی، مکتب ابوالحسین بصری را برای نخستین بار در خوارزم اشاعه داده است و شاید ابن ملاحمی نزد وی تلمذ کرده باشد. در مورد شاگردان ابن ملاحمی نیز، مطلبی در منابع ذکر نشده است، تنها می‌دانیم فخر رازی (متوفی ۶۰۶ ق) متکلم اشعری در مناظرات خود با علماء معتزلی خوارزم (حوالی سالهای ۵۶۰-۵۷۰ ق) با شاگردان ابن ملاحمی درگیر بوده و از ابن ملاحمی به محمود خوارزمی یاد کرده است.<sup>۱۰</sup> از طرف دیگر فخر رازی اشاره کرده،<sup>۱۱</sup> در زمان وی تنها دو گروه از اعتزال باقی مانده است: بهاشمه، پیرو مذهب کلامی ابوهاشم جبایی (متوفی ۳۲۱ ق) و مکتب ابوالحسین بصری. مکتب کلامی - اعتزالی خوارزم تا قرن نهم هجری دوام آورد، درحالی که در دیگر مناطق، زودتر از این تاریخ از میان رفت.<sup>۱۲</sup>

فرد دیگری که بعد از ابن ملاحمی به مکتب ابوالحسین بصری اشاره کرده، تقی‌الدین مؤلف کتاب الکامل فی الاستقصاء فیما بلغنا من کلام القدماء است که اثرش در نسخه‌ای خطی موجود است و دکتر السیدالشاهد به تازگی بخش‌هایی از آن را در مقاله‌ای چاپ کرده است و تمام کتاب نیز به تصحیح همو منتشر شده است. کتاب وی، اغلب ردیه‌هایی بر تعالیم ابوهاشم جبایی است با استفاده از مکتب کلامی ابوالحسین بصری و ابن ملاحمی.<sup>۱۳</sup> از زندگی تقی‌الدین نکات زیادی دانسته نیست،<sup>۱۴</sup> جز آنکه از کتاب وی برمی‌آید که فردی سنی بوده است.<sup>۱۵</sup> از کاربرد لفظ خوارزمی برای ابن ملاحمی، شاید بتوان گفت که وی در خوارزم ساکن نبوده است. تنها می‌دانیم که وی در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم زندگی می‌کرده، چرا که از وی، فقیه حنفی خوارزمی، نجم‌الدین غرمینی (متوفی ۶۸۸ ق) نام برده و از آثارش مطالبی نقل کرده است.

نجم‌الدین مختاربن محمود زاهدی غرمینی، صاحب رساله‌ی الناصریه در دفاع از اسلام است که آن را به برکه خان، شاهزاده مغولی، تقدیم کرده است. از آثار دیگر غرمینی، شرحی بر مختصر قدوری در فقه حنفی با عنوان المجتبی قابل ذکر است. غرمینی، با همین عنوان المجتبی، کتابی در اصول دین و فقه تالیف کرده است. ظاهراً این کتاب باقی نمانده است،

ادرکت آیامه و دخلت علیه سنة ثلاث و ثلاثین و خمسمائة و سلمت علیه الا أنه عاقنی من القراءة علیه والاخذ منه عوائق فبقی ذلك حسرۃ علی لانه رحمه الله کان قرأ علی جدی ابي امی شيئاً من الادب فکان يعرفنی.

و حين توفی خالی كتب الی جدی کتاب تعزیه و هو بعد فی الکتاب يعتذر من عدم المجيء من زمخشر الی اندرسيان، فقال فی آخره و ليس علی مقصود الجناح جناح... ثم رزقه الله من التوفيق أن صار الامام رکن‌الدین محمودالاصولی والامام ابومنصور من تلامذته فی علم التفسیر فکانا یقرآن علیه و هو يأخذ منهما الاصول...<sup>۱۶</sup>

(برگ ۱۴۱ ب) مات رکن‌الدین محمود الاصولی بن عبیدالله الملاحمی... ليلة الاحد السابع عشر من شهر ربيع الاول سنة ست و ثلاثین و خمسمائة کاین... ررئاً بالكلام فرید دهره فی هذه الصنعة و له تصانیف کثیرة فی هذا الباب مثل المعتمد فی اصول الدین و هو اربع مجلدات و الفائق فی الاصول و تحفة المتکلمین فی الرد علی الفلاسفة من طالها او غيرها من مصنفاته عرف (فضله؟)... و کان ورعاً جنأ و من نفاثات صاحب الکشف فی مرثيته:

ما بال خوارزم کانت امس مشرقة

والیوم ارجاؤها مغبرة سود

لم یبق من نور اهل العدل باقیة

لما توفی رکن‌الدین محمود<sup>۱۷</sup>

این مطالب مشخص‌کننده چند نکته است. نخست با توجه به تاریخ وفات ابوالحسین بصری (متوفی ۴۳۶ ق) و زمان وفات ابن ملاحمی (شب یکشنبه ۱۷ ربیع‌الاول سال ۵۳۶ ق) ارتباط مستقیم بین این دو منتفی می‌شود. دوم درمی‌یابیم که ابن ملاحمی ظاهراً متأثر از ابوالحسین بصری از طریق ابن ملاحمی بوده و متأثر از وی زمخشری به اعتزال گرویده است. تردیدی نیست که این مصاحبت‌ها در جرجانیه، پایتخت خوارزم بوده است، جایی که زمخشری اکثر عمر خود را در آنجا سپری نمود. از ابن ملاحمی به عنوان فردی متبحر در علم کلام یاد شده و از تالیفات وی، آثار زیر ذکر شده است:

۱ - المعتمد فی اصول الدین در چهار جزء

۲ - الفائق فی اصول. این کتاب در چند نسخه خطی موجود است. برطبق نوشته ابن ملاحمی در انتهای یکی از نسخه‌ها، تالیف آن در هفتم ربیع‌الاول روز چهارشنبه سال ۵۳۲ به پایان رسیده است.

۳ - ردیه‌ای بر فلاسفه با عنوان تحفة المتکلمین فی الرد علی الفلاسفة. از وجود این اثر به واسطه چند نقلی که مؤلف زیدی محمدبن حسن دیلمی در کتاب قواعد آل محمد که در یمن به سال ۷۰۷ ق نگاشته، خبر داریم.<sup>۱۸</sup> خوشبختانه نسخه‌ای از این اثر در ایران موجود است.<sup>۱۹</sup>

ابن ملاحمی در کتاب الفائق به علاوه اشاره به کتاب المعتمد، از دو اثر دیگرش نیز سخن گفته است: ۴ - کتاب الحدود و ۵ - جواب المسائل الاصفهانیه.

نسخه‌ای ناقص از اثر دیگر ابن ملاحمی در اصول فقه در کتابخانه

تمایلاتی به مکتب ابوالحسین بصری و ابن ملاحمی داشته‌اند و همچو آن مکتب بر عقاید ابوهاشم جبایی خاصه شیئیت معدوم خرده می‌گرفته‌اند و چندان تمایلی به مکتب کلامی - فلسفی خواجه نصیر طوسی نیز نداشته‌اند. در میان اعضا این خانواده، از شرف‌الدین ابوعلی‌الله حسین بن ابی القاسم بن محمد عودی اسدی حلی، شهاب‌الدین اسماعیل بن عودی و احمد بن شرف‌الدین که در ذی حجة ۷۴۲ ق به تالیف مشغول بوده‌اند، خبر داریم.<sup>۲۶</sup> اطلاع دیگری از این مکتب خاص کلامی امامیه که راهی جدا از خواجه نصیر طوسی داشته‌اند، در دست نیست.

خط سیر تفکر مکتب ابن ملاحمی را در آثار زیدیه می‌توان دنبال کرد که تاکنون نیز این اثرات باقی مانده است.<sup>۲۷</sup> براین اساس به نظر می‌رسد که آثار ابوالحسین بصری به یمن رسیده‌اند، کما اینکه امروز، شواهدی بر این مطلب در دست است و آن وجود نسخه‌های خطی آثار وی در کتابخانه‌های یمن است. ابوالحسین بصری در مسائلی چون نظریه احوال، صفات خدا و قول ابوهاشم جبایی در شیئیت معدوم با دیگر معتزله اختلاف داشته است. برخلاف مکاتب دیگر اعتزالی، ابوالحسین کرامات اولیاء را پذیرفت. وی در مسئله جزء لایتجزی و اختیار آدمی با دیگر معتزلیان اختلاف نظر داشت.<sup>۲۸</sup> ابن ملاحمی از اثر مهم کلامی ابوالحسین بصری به نام تصفح الادله یاد کرده و در المعتمد فی اصول الدین به آن استناد کرده که موضوع آن رد و تخطئه برخی از آراء دیگر معتزلیان بوده است. از این کتاب ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه و ابن تیمیه در دره فی تعارض العقل و النقل استفاده کرده‌اند.<sup>۲۹</sup> ابن ملاحمی در کتاب المعتمد فی اصول الدین، به غیر از کتاب التصفح که جز نقل‌های موجود در این کتاب و چند اثر دیگر، مفقود است به از کتاب‌های غرر و شرح العمدة (شرحی بر کتاب العمدة قاضی عبدالجبار) که به تازگی چاپ شده است<sup>۳۰</sup> و مسأله فی تعلیق الدلیل بالمذلول ابوالحسین بصری اشاره کرده و مطالبی از آنها نقل کرده است، همچنین ابن ملاحمی از کتاب المعنی قاضی عبدالجبار نقل‌هایی آورده که با متن چاپ شده، تفاوت دارد. از دیگر آثار مورد استفاده در تالیف کتاب المعتمد که به ظاهر مفقودند، کتاب‌های المحيط با التکلیف و شرح المحيط و تعلیق المحيط است که به واقع دو کتاب آخری، شرحی بر کتاب المحيط با لتکلیف هستند. از کتاب‌های الدواعی و الصوارف و شرح الجمل و المقود نیز یاد شده است. همچنین به آراء دیگری از ابوالحسین بصری اشاره شده که وی آنها را در محضر درس قاضی عبدالجبار فرا گرفته است. ابن ملاحمی به اثری ناشناخته از ابن متویه، شاگرد قاضی عبدالجبار یعنی کتاب التحرير اشاره کرده است. همچنین به کتاب جوابات [مسائل] التستریین از شیخ معتزله، عبدالله بن عباس را مهرمزی شاگرد ابوعلی جبایی (متوفی ۳۰۲ ق) نیز اشارتی رفته است.<sup>۳۱</sup>

اما در دو اثر زیدی به نام‌های ایثار الحق علی الخلق و ترجیح اسالیب القرآن علی اسالیب الیونان نوشته محمد بن ابراهیم بن علی بن مرتضی معروف به ابن وزیر (متوفی ۸۴۰ ق) مورد استفاده بوده‌اند. این منقولات نشان‌دهنده آن است که<sup>۳۲</sup> غرمینی از مکتب ابوالحسین بصری پیروی می‌کرده و بر همین اساس از مکتب ابوهاشم جبایی انتقاد می‌کرده است. غرمینی از آراء ابن ملاحمی نیز یاد کرده است.<sup>۳۳</sup>

بنا بر نوشته ابن ابی الوفاء، مهمترین شرح حال نگار رجال حنفی، غرمینی علم کلام را نزد سراج‌الدین یوسف بن ابی بکر سکاکی خوارزمی (۵۵۵-۶۲۶ ق) عالم مشهور بلاغی و مؤلف کتاب مفتاح‌العلوم فرا گرفته و شاید وی نیز پیرو مکتب ابوالحسین بصری باشد. گرچه چنین چیزی در آثارش هویدا نیست و خود او نیز به استادان خود در علم کلام اشاره نکرده اما محتمل است که شاگرد ابن ملاحمی باشد.

متکلمان امامیه و امام زیدی مؤید بالله یحیی بن حمزه (متوفی ۷۴۷ ق) از مکتب ابوالحسین بصری و ابن ملاحمی یاد کرده‌اند و در مسائلی با آنها هم‌رای بوده‌اند. اثر این نفوذ را در نوشته کلامی، عالم شیعی، سدیدالدین محمود بن علی بن حسن حمصی رازی (متوفی بعد از ۶۰۰ ق) می‌توان دید. او در تالیف اثر کلامی خود، المنقذ من التقليد و المرشد الی التوحید که در سال ۵۸۱ ق تالیف آن را به پایان رسانده، از کتاب الفرر ابوالحسین بصری استفاده کرده است.<sup>۳۴</sup>

در اثر کلامی مختصر و نافع نوشته عالمی امامی به متاثر بودن سدیدالدین حمصی از ابوالحسین بصری در مسائلی اشاره شده است.<sup>۳۵</sup> در نسخه‌های خطی و موجود در کتابخانه بادلیان از سدیدالدین حمصی به عنوان مخالف ابوهاشم جبایی در شیئیت معدوم (ان المعدوم هو شیء) یاد شده است.<sup>۳۶</sup> خواجه نصیرالدین طوسی (متوفی ۶۷۲ ق) که خود مکتبی کلامی مبتنی بر آراء فلسفی ابن سینا ایجاد کرده، اشاراتی به مکتب ابوالحسین بصری و ابن ملاحمی داشته است. علامه حلی (متوفی ۷۲۶ ق) در شرح خود بر کتاب تجرید الاعتقاد خواجه نصیر طوسی به برخی آراء ابن ملاحمی و ابوالحسین بصری اشاره کرده و از ابن ملاحمی با عنوان محمود خوارزمی یاد کرده است.<sup>۳۷</sup> معاصر خواجه نصیرالدین طوسی، رضی‌الدین بن طلووس (متوفی ۶۶۴ ق)<sup>۳۸</sup> در کتاب خود، طرائف فی معرفة مذاهب الطوائف نیز از ابن ملاحمی به عنوان عالم بزرگ اهل اعتزال و شیخ اهل سنت سخن به میان است.<sup>۳۹</sup> این در حالی است که ابن طلووس تمایلی چندانی به علم کلام نداشته است. متکلم امامی، کمال‌الدین میثم بن علی بحرانی (متوفی ۶۹۹ ق) شاگرد خواجه نصیرالدین طوسی، به برخی از آراء ابوالحسین بصری و ابن ملاحمی و تقی‌الدین اشاره کرده و از آنها در کتاب خود قواعد المرام فی علم الکلام سخن گفته است.<sup>۴۰</sup> همچنین متنی وجود دارد که نشان می‌دهد خانواده‌ای از علماء امامیه حله که<sup>۴۱</sup> در نیمه قرن هشتم فعالیت داشته‌اند،

از کتابی به نام من قال بالعدل من المحدثین نوشته ابن ابی حبه که احتمالاً همان محدث معروف، ابوالقاسم عبدالوهاب بن عیسی بن عبدالوهاب ابن ابی الحبه مشهور به جاحظ وراق (متوفی ۳۰۹ ق) استه مطلبی نیز نقل شده است.<sup>۳۳</sup> اشاره‌ای به تفسیر قرآن مفسران بصری، یعنی عباس بن یزید بحرانی، قاضی همدان (متوفی ۲۵۸ ق)،<sup>۳۴</sup> ولید بن ابان اصفهانی (متوفی ۳۱۰ ق)<sup>۳۵</sup> و کتاب تاریخ ابن ابی خیثمه<sup>۳۶</sup> (متوفی ۲۷۹ ق) در کتاب المعتمد ابن ملاحمی باقی است. اشاره‌ای نیز به رساله منسوب به قابوس بن وشمگیر و رساله متکلم حنفی محمد بن عیسی بر غوث (متوفی حدود ۲۴۰ ق) و کتاب الادوات از عالم نحوی ابوالحسین دهان شده است.<sup>۳۷</sup> از همه مهمتر در میان این نقل قول‌ها از کتب دیگر، استناد به دو کتاب الاراء والدیانات نوشته حسن بن موسی نوبختی و المقالات ابوعیسی وراق است که کتاب المقالات، ردیه‌ای بر نصارا، یهود و مجوس بوده است.<sup>۳۸</sup> هرچند باید به این نکته توجه کرد که ابن ملاحمی از کتاب المقالات ابوعیسی وراق با عنوان کتابی در مذاهب (فی دیانات) یاد کرده است اما آشکار است که از کتاب المقالات نقل می‌کند، چرا که مطالب منقول تنها با نام همین کتاب وراق تطابق دارد.<sup>۳۹</sup>

#### پی‌نوشت‌ها:

- ۱ - المعتمد فی اصول الدین، رکن الدین محمود خوارزمی، تحقیق مارتن مکدموت و ویلفرد مادیلونج، الهدی، لندن ۱۹۹۱، نوشتار حاضر برگرفته از مقدمه محققان کتاب بانداکی حذف و اضافه است.
- ۲ - ابن المرتضی، طبقات المعتزله، تحقیق س. دیوالدولرز (بیروت، ۱۹۹۱)، ص ۱۱۹. ابن مرتضی از ابن ملاحمی به عنوان مؤلف المعتمد الاکبر یاد کرده و به خطا کتاب الفائق او را به ابوالحسین بصری نسبت داده است. در مورد ابوالحسین بصری ر. ک:

EI۲, Suppl (by .W . Madelung) and E. Ir. (by D. Gimaret)

در پایان جلد بیستم المغنی (جزء دوم) رساله‌ای کوتاه به نام الجواب الحاسم المغنی لشبه المغنی از عالم زیدی محمد بن احمد بن ولید آمده است (ص ۲۶۳-۲۷۴). این عالم زیدی بعد از ذکر کتابهایی از معتزله در امامت از کتاب الفائق نوشته محمود بن محمد بن الملاح [الملاحمی] سخن گفته و متذکر شده که کتابی به نام الجواب الناطق الصادق لحل شبه الفائق نگاشته است (همو، ص ۲۶۴) این شخص کسی جز رکن الدین محمود ملاحمی نیست.

۳ - عبدالکریم الیافی، فی سیره الزمخشری جارالله، مجلة مجمع اللغة العربیة بدمشق، سال ۵۷، ۱۹۸۲، ص ۳۶۷-۳۶۸. نام پدر ابن ملاحمی آن گونه که در متن ذکر شده، محل تامل است شاید محمد یا عبدالله (یا عبیدالله) نام پدر بزرگ وی باشد.

۴ - همان، ص ۳۸۲.

- ۵ - محمد بن حسن الدیلمی، بیان مذهب الباطنیة و بطلانه، تحقیق (ستروتمان، استانبول، ۱۹۲۷، ص ۳۳ و ۷۹).
- ۶ - محمد کاظم رحمتی، نگاهی به مکتب متأخر معتزله، مجلة هفت آسمان، شماره ۹-۱۰ (۱۳۸۰) ص ۸۵-۸۸ و حسن انصاری، کتابی تازه در نقد فلسفه، نشر دانش، سال ۱۸ شماره ۳ (۱۳۸۰) ص ۳۱-۳۲.
- ۷ - آغاز نسخه افتاده است و بعد از برگ ۱۵ نیز بخشی از نسخه افتادگی دارد. نگارش کتاب در ربیع الاول ۵۷۵ (و شاید ۵ ربیع الاول ۵۹۵) به پایان رسیده است. در حاشیه این عبارت از مؤلف نقل شده است: «و یقول مجرد هذا الكتاب و هو محمود بن عبیدالله الاصولی الخوارزمی قرأ علیه هذا الكتاب قراءة فهم و احکام الشیخ الامام الجلیل الصائغ صفی الائمہ ابوسعید جنید بن محمود بن تائبان (؟) الدهستانی و وافق الفراق من قراءته یوم الاربعاء غرة ذی القعدة سنة اربع و ثلاثین وخمسائة. بر این اساس کتاب شش ماه قبل از وفات ابن ملاحمی نزد او خوانده شده است. در این کتاب ابن ملاحمی به آراء خود اشاره نکرده است و تنها یک جا (برگ ۲۲۹) اشاره کرده که عقیده ابوالحسین بصری با عقیده دیگرش تعارض دارد. کتاب المعتمد فی اصول الفقه ابوالحسین بصری توسط محمد حمیدالله (دمشق، ۱۹۶۵) در دو جلد تصحیح و چاپ شده است. درباره نسخه التجرید ر. ک:

Bodleian Library, Ms. Arab e ۱۰۳

- ۸ - یاقوت، ارشاد، ج ۷ ص ۱۴۵. ضبی را به عنوان استاد زمخشری در نحو و ادبیات یاد کرده‌اند. ر. ک: یاقوت، ج ۷ ص ۱۴۷ و احمد محمد الجوفی، الزمخشری، الهيئة المصریة العامة للكتاب، ص ۴۸.
- ۹ - بیهقی، تنمیه صوان الحکمة، تحقیق محمد شفیع (لاهور، ۱۹۳۵) ج ۱ ص ۱۳۵. حاکم جشمی (متوفی ۴۹۴ ق) از میان شاگردان قاضی عبدالجبار به ابومحمد خوارزمی اشاره کرده که در نیشابور تدریس می‌کرده است. ر. ک: فضل الاعتزال و طبقات المعتزله، تحقیق فواد السید، تونس، ۱۹۷۴، ص ۳۸۷. از میان شاگردان حاکم جشمی به احمد بن محمد بن اسحاق خوارزمی که از جشمی برای زمخشری مطالبی نقل کرده، یاد شده است. ر. ک:

S» ۱۸۷. W. Madelung. Der Imam al-Qasim ibn Ibrahim, Berlin ۱۹۶۵,

۱۰ - See D. Gimaret, Theorie de l'acte humain en theologie musulmane, Parise, ۱۹۸۰, PP. ۵۹-۶۰, ۱۳۵, ۱۴۴.

عبدالکریم شهرستانی که به خوارزم قبل از سال ۵۱۰ ق سفر کرده، از ابن ملاحمی نامی نبرده، گرچه با آراء ابوالحسین بصری کاملاً آشنا بوده است.

انمه اصحاب ابوالحسین بصری معرفی کرده است. ر. ک: همه، ترجیح اسالیب القرآن علی اسالیب اليونان، ص ۱۹، ۹۴ در مورد آراء ابن ملاحمی ر. ک: همو، ايثار الحق، ص ۵۱؛ ترجیح، ص ۴۳، ۸۷ (زکی‌الدین را رکن‌الدین بخوانید) و ص ۸۹. ابن‌الوزیر با وجود اختلافاتی با تقی‌الدین او را خاتمه اهل الاصول تقی‌الامة (الائمة) یا تقی‌الملة والدين المعجالی می‌خواند. ايثار الحق، ص ۱۱۱ و ترجیح اسالیب، ص ۸۸، ۱۱۰-۱۱۱ و از کتاب الكامل فی الاستقصاء نیز نام برده است. ترجیح، ص ۱۱۱.

۱۸ - آقابزرگ الطهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه (نجف و تهران، ۱۳۵۵-۱۳۹۷ ق) ج ۳ ص ۱۵۱-۱۵۲ در مورد سدیدالدین ر. ک: منتجب‌الدین الرازی، فهرست اسماء علماء الشیعه، تحقیق السید عبدالعزیز الطباطبائی (قم ۱۴۰۴ ق) ص ۱۶۴ و عبدالله افندی الاصفهانی، ریاض العلماء، تحقیق السید احمدالحسینی (قم ۱۴۰۱ ق) ج ۵ ص ۲۰۲-۲۰۳ و Modarresi Tabatabai, An Introduction of shii law, London, ۱۹۸۴, P. ۴۶.

حمص گویا، روستایی نزدیک ری بوده است.

۱۹- Ms Paris, Bibl. Nat, Arab. ۱۲۵۲.

از سدیدالدین به عنوان محمودالحمصی در برگ‌های ۳۶b و ۹۶a یاد شده است. آشکار است که کتاب در اواخر قرن پنجم نگاشته شده است. برای تاریخی که جرح و جیده پیشنهاد کرده، ر. ک:

G. Vajda, 'Le Probleme de la Vision de Dreu (Ruya) d'apres quelques auteurs siites duodecimains', in Le Shiism, Immamite, ed., T. Fahd, Paris, ۱۴۷۰, PP. ۳۴, ۴۶.

مؤلف رساله درباره معتزله بغداد و متکلمان امامیه می‌نویسد: «ینفون صفة الارادة الالهية و یذهبون الی أن الداعی کاف فی وقوع الفعل عن القادر» برگ ۱۸۵. گرچه این عقیده ابوالحسین بصری است و عقیده معتزله بغداد و مفید که رای هم مانند با آنان دارند، نیست. مشخص است که این عقیده را از قول سدیدالدین برگرفته است.

۲۰- Bodleian Library, Ms Arab, f۴۴, fol, ۱۰۳a.

۲۱- الحلی، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، (قم، بی تا)، ص ۲۲۷.

۲۲ - در مورد این عالم امامی ر. ک: مدخل آل طاووس در دائرة المعارف بزرگ اسلامی.

۲۳ - ابن طاووس، الطرائف (قم، ۱۴۰۰ ق) ص ۱۰۴، ۳۱۳ و ۳۱۵.  
۲۴ - قم، ۱۳۹۸ ق، نقل قول‌های فراوانی از ابوالحسین بصری آمده و از ابن ملاحمی با عنوان محمود خوارزمی در ص ۱۴۷ و از تقی‌الدین به المعجالی (ص ۸۲) سخن رفته است.

۲۵ - اطلاعات در نسخه زیر است:

Bodleian Library, Ms. Arab. f. ۶۴.

۱۱ - الفخر الرازی، اعتقادات فرق المسلمین و المشرکین، تحقیق سامی النشار (قاهره، ۱۹۳۸ م)، ص ۴۵.  
۱۲ - در مورد اعتزال خوارزم ر. ک:

I. Goldziher, 'Aus der Theologie des Fachr al-din al-Razi', in, Der Islam, III (۱۹۱۲), PP. ۲۲۰-۲۲۱.  
W. Madelung, 'The Spread of Maturidism and The Turks', in Actas do IV Congresso de Estudos Arabes e Islamicos, Coimbra - Lisbon, ۱۹۶۸, Leiden, ۱۹۷۱, PP. ۱۱۵-۱۱۶.

احمد محمدالصوفی، الزمخشری، ص ۲۲-۲۵ و مصطفی الصاوی الجوینی، قراءه فی تراث الزمخشری، ص ۱۹.

۱۳- Elsayed Elshahed, Das Problem der transzendenten Sinnlichen Wahrnehmung in der spatmutazilitischen Erkenntnis theorie nach der Darstellung des Taqiaddin an-Nagrani, Berlin, ۱۹۸۳.

محمدالشاهد اشاره نکرده که رکن‌الدین خوارزمی که تقی‌الدین در مواردی از وی نقل قول می‌کند، ابن ملاحمی است. تقی‌الدین از کتاب‌های المعتمد و الفائق ابن ملاحمی یاد کرده است (همان، ص ۵۶، ۱۰۶) در مورد گزارشی از این کتاب ر. ک:

BSOAS, XLVIII (۱۹۸۵), PP. ۱۲۸-۱۲۹ (by W. Madelung).

۱۴ - حتی اسم وی نیز به درستی دانسته نیست و در نسخه خطی جز به تسبب همراه با نام تقی‌الدین سخن دیگری نیست. این نسب نیز بدون نقطه نوشته شده و می‌توان آن را البحرانی یا النجرانی خواند در جای دیگری از متن از وی به المعجالی نیز سخن آمده است.

۱۵- See El-shahed, P. ۲۹.

۱۶ - درباره غرمینی ر. ک: ابن ابی الوفاء، الجواهر المضية (حیدرآباد، ۱۳۳۲ ق / ۱۹۱۴ م)، ج ۲ ص ۱۶۶ و اللکهنوی، الفوائد البیهیه، تحقیق محمد النعمانی (قاهره، ۱۳۳۴ ق) ص ۲۱۲-۲۱۳.  
Brockelmann, GAL, I, ۲۸۱, Suppl, I, ۶۵۶.

احتمال دارد که نسخه‌ای از کتاب وی یعنی شرحی بر کتاب قدوری، در میان شروح متعدد بر این کتاب باقی باشد. درباره فهرست این شروح ر. ک: Sezgin, GAS, I, ۴۵۲.

ایثارالحق در قاهره ۱۳۴۸ ق و ترجیح اسالیب در بیروت ۱۴۰۴ ق منتشر شده‌اند. چند نقل قول کوتاه از غرمینی در کتاب العواصم من القواصم، ابن‌الوزیر، تصحیح شعیب الأرناؤوط، عمان ۱۹۸۵-۱۹۸۷، نیز آمده است.

۱۷ - ابن‌الوزیر او را یکی از حامیان عقیده ابوالحسین بصری و یکی از



همو، شرح نهج البلاغه، ج ۱ ص ۱۶۹؛ ج ۴، ص ۱۰ و ج ۱۰، ص ۲۱۲؛ ج ۱۶، ص ۲۴۲؛ ج ۱۷ ص ۱۵۸؛ ج ۱۸ ص ۱۱۵؛ ۲۲۷؛ ج ۳ ص ۲۳۶. ابن تیمیة آراء ذیل را در کتاب دره فی تعارض العقل والنقل آورده است. ر. ک: همو، همان، ج ۱ ص ۵۴ (عدم تکفیر قائل به قدم صفات و خلق افعال)؛ ج ۱ ص ۱۸۰ (معنی معجزه) و طریق حصول معرفت، ج ۴ ص ۱۱۲-۱۱۳؛ حوث عالم، ج ۴ ص ۲۴۲-۲۴۳ و ج ۵ ص ۴۸-۴۹. از کتاب عیون الادله (ج ۲ ص ۳۳۳) و غرر الادله نیز مطلبی آمده است. ج ۵ ص ۳۳-۳۵.

۳۰- ابوالحسین البصری، شرح العمدة، ۲ جلد، تحقیق عبدالحمید بن علی ابوزنید، مدینه، مکتبة العلوم والحکمة، ۱۹۸۹-۱۹۹۰ م.

۳۱- فضل الاعتزال، ص ۳۱۲؛ ابن المرتضی، همان، ص ۹۵.

۳۲- الخطیب البغدادی، تاریخ بغداد (قاهره، ۱۹۳۱ م) ج ۱۱ ص ۲۸. موید این که ابن ابی حیه مورد اشاره ابن ملاحمی، عبدالوهاب بن ابی حیه است، این است که ابن ابی حیه از محمد بن شجاع ثلجی، فقیه حنفی (متوفی ۲۶۶ ق) روایت می‌کند و دارقطنی نیز او را از روات ابن ابی حیه نام برده که فردی ثقه است اما مانند ثلجی در مورد مخلوق یا غیرمخلوق بودن قرآن متوقف است. از عنوان کتاب وی این گونه برمی‌آید که برخلاف ثلجی از مکتب اعتزال حمایت می‌کرده است.

۳۳- تاریخ بغداد، ج ۱۲ ص ۱۴۲؛ ابونعیم الاصفهانی، ذکر اخبار اصفهان، تحقیق س. د. دریغ، لیدن ۱۹۳۱-۱۹۳۴، ج ۲ ص ۱۴۰ و الذهبی، تذکرة الحفاظ، حیدرآباد، ۱۳۲۵، ۱۳۲۷، ج ۵ ص ۱۳۴.

۳۴- اخبار اصفهان، ج ۲ ص ۳۳۴ و تذکرة الحفاظ، ج ۳ ص ۶. ۲۵- Elī, by ch. Pellat.

۳۶- در مورد این فرد چیزی دانسته نیست.

۳۷- W. Madelung, "Abu Isa al-Warraaq uber die Bardesaniten, Marcioniten und Kantaer", in H. R. Roemer and A. Noth (eds.), Studien zur Geschichte und Kultur des Vorderen Orients: Festschrift fur Bertold Spuler zum Siebzigsten Geburtstag, Lieden ۱۹۸۱, PP. ۲۱-۲۴; M. J. Modermott, "Abu Isa al-warraq on the Dahriyya", in Melanges de l'universite Sant Joseph, L (۱۹۸۴), PP. ۲۸۷-۴۰۲.

۳۸- بخش‌هایی از این کتاب را ماتریدی (متوفی ۳۳۳ ق) در کتاب التوحید آورده است. ر. ک: همو، التوحید، ص ۱۸۶، ۱۹۱، ۱۹۹، ۲۸۴.

این نسخه را احمد بن حسین بن عودی برای استفاده شخصی نگاشته و حاوی چندین متن نشان‌دهنده مواضع کلامی ابن خانواده است و فتوایی از شیخ نجم‌الدین ابوالقاسم جعفر بن سعید محقق حلی (متوفی ۶۷۶ ق) درباره عدم درستی قول بهاشمه که معدوم شی است، آمده است. نجم‌الدین شیثیت معدوم را رد کرده ولی قائلین به آن را کافر یا فاسق ندانسته است (برگ ۹۹-۱۰۰). در مقابل این فتوایی، فتوایی از شرف‌الدین حسینی نقل شده که عقیده به شیثیت معدوم را کفر دانسته و گفته که به قائل این قول، نباید از زکات سهمی داد. برگ‌های ۱۰۰-۱۰۴ در تایید این قول به کتب شیخ مفید و شیخ طوسی و ابوالحسین بصری و ابن ملاحمی که در کتاب دیگرش ریاض‌المقول آمده، ارجاع داده است. در مورد ریاض‌المقول ر. ک: آقاییزگ الطهرانی، الذریعه، ج ۱، ص ۳۴۰، شهاب‌الدین بن عودی در رساله کلامی منظوم (برگ‌های ۱۱۳-۱۱۹) به مکتب ابوالحسین بصری اشاره کرده و قول معتزلیان بهشمی را رد می‌کند که وجود را زائد بر ذات می‌دانند و قول فیلسوف که زیادت بر وجود در هر چیزی هست جز خدا و نظر بصرایی را تایید می‌کند (منظور از بصرایی که به ضرورت شعری چنین آمده است، ابوالحسین بصری است)، در این مورد عقیده کوتاه‌تری از شرف‌الدین (برگ ۱۰۵-۱۰۷) و پسرش احمد (برگ ۱۲۰-۱۲۱) در تایید مذهب ابوالحسین بصری آمده است. در این مواضع، نظرات آنها با آراء شیخ مفید و ابوالحسین بصری موافقت دارد اما با نظر شیخ طوسی و ابن ملاحمی ناسازگار است.

۲۶- از این مجموعه رسائل زیر به چاپ رسیده است: ابن‌العوادی، ارجوزة فی شرح الیاقوت فی علم الکلام به کوشش محمدرضا انصاری، میراث اسلامی ایران، ج ۸، ص ۵۱۳-۵۲۳ و محقق حلی و شرف‌الدین حلی، مفاوضه‌ای در مسأله شیثیت معدوم به کوشش سیدحسین مدرسی طباطبائی، میراث اسلامی ایران، ج ۱، ص ۱۵۷-۱۷۴.

۲۷- در میان کتب چاپ شده که نشانگر نفوذ مدرسه ابوالحسین بصری و ابن ملاحمی در میان زیدیان یمن است، می‌توان به کتاب الأساس لمقائد الأکیاس از امام منصور بالله القاسم ابن محمد (متوفی ۱۲۰۹ ق) اشاره کرد. مؤلف از مکتب کلامی ابن ملاحمی به ملاحمی یاد کرده است (تحقیق البیرنصری نادر، بیروت، ۱۹۸۰ م، ص ۶۹، ۱۲۸، ۱۴۰ و ۱۸۹). به اسم ابن ملاحمی هیچ اشاره‌ای نشده است، اما مکرراً به مکتب ابوالحسین بصری اشاره شده است.

۲۸- در مورد بحث تقی‌الدین ر. ک: Elshahed, P. ۵۰-۹۷. میثم بحرانی می‌گوید که نظر ابوالحسین بصری با رای ابوالقاسم بلخی از مدرسه اعتزال بغداد موافقت دارد. ر. ک: همو، قواعد المرام، ص ۹۰، ۹۵. در مورد عقاید خاص ابوالحسین بصری ر. ک: الشهرستانی الملل و النحل، تصحیح و. کیورتن (لندن، ۱۸۴۲ م) ص ۵۹ و الرازی، اعتقادات، ص ۴۵.

۲۹- ابن ابی الحدید از الغرر و تصفح الادله نام برده است. ر. ک: